جام جهانی

## بریتانیا و سایه اعتراضات اروپا

ادامه از صفحه اول

وضعیت فعلی آموزش عالی در انگلستان این نگرانی‌ها را تشدید می‌کند. کتابخانه مجلس عوام در گزارش خود درباره تأمین مالی دانشگاه‌ها در انگلستان، از فشار فزاینده بر پایداری مالی مؤسسات سخن می‌گوید؛ فشارهایی که به اعلام تعدیل نیرو، تعطیلی برخی دوره‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری پژوهشی و عقب‌افتادن تعمیر و نگهداری انجامیده است.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد در درازمدت، سهم کمک‌های مستقیم دولتی در تأمین مالی آموزش کاهش یافته و نقش شهریه و وام‌های دانشجویی پررنگ‌تر شده است. این وضعیت از اختلاف میان مدیریت دانشگاه و کارکنان فراتر می‌رود: کاهش رشته‌ها، نیروی انسانی یا پژوهش، دانشجویان را نیز درباره کیفیت آموزش و ارزش مدرکشان نگران می‌کند. البته داده‌های این گزارش مشخصا به انگلستان مربوط است و نباید بی‌واسطه به اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی تعمیم داده شود. در کنار بحران آموزش، سیاست دفاعی دولت حزب کارگر نیز به موضوعی برای بحث عمومی و نگرانی در میان نسل جدید تبدیل شده است.

در جولای ۲۰۲۶ وزارت دفاع از تشکیل ائتلافی با مشارکت ۳۵ دانشگاه در سراسر بریتانیا خبر داد؛ طرحی که بخشی از بسته ۱۸۲ میلیون پوندی دولت برای توسعه مهارت‌ها و پژوهش‌های دفاعی است. دولت این همکاری را راهی برای تقویت امنیت، گسترش پژوهش و فراهم‌کردن فرصت‌های شغلی در حوزه‌هایی مانند فناوری و مهندسی معرفی می‌کند. امنیت ملی و توسعه فناوری می‌توانند به دانش و نیروی متخصص دانشگاه‌ها نیاز داشته باشند، اما مطالبات بر شفافیت و پاسخ‌گویی درباره تصمیم‌هایی که بر جهت‌گیری دانشگاه اثر می‌گذارند، حکایت دارد.

از این منظر، هم‌زمانی فراخوان دانشجویان، اقدام اتحادیه دانشگاهی و گسترش همکاری دفاعی، نشانه یک جنبش واحد نیست، بلکه سه میدان مرتبط از مناقشه بر سر آینده است: معیشت جوانان، دسترسی به آموزش باکیفیت و اولویت‌های پژوهشی و اقتصادی کشور. پیونددادن این میدان‌ها می‌تواند به شکل‌گیری یک دستور کار مشترک کمک کند، اما چنین هم‌گرایی‌ای نه قطعی است و نه خودبه‌خود رخ می‌دهد. دانشجوی بدهکار، کارمند دانشگاهی نگران شغل و جوانی که به فرصت‌های دفاعی و فناوری علاقه‌مند است، لزوما خواسته‌های یکسانی ندارند. برچسب «اعتراض جوانان» نباید این تفاوت‌های طبقاتی، جغرافیایی و شغلی را پنهان کند.

همچنین داده‌های کمیسیون انتخابات بریتانیا نیز با تعمیم تصویر جوانان، به عنوان نسلی بی‌علاقه به سیاست (آنچه سیاست‌مداران بریتانیایی بر آن پافشاری می‌کنند) سازگار نیست. تجربه اعتراضات جوانان در آلمان، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی را نباید به معنای سرایت مستقیم بحران‌های این کشورها به بریتانیا یا تکرار قریب‌الوقوع همان الگوی اعتراضی در این منطقه دانست. تفاوت در ساختار اقتصادی، نظام آموزشی، روابط دولت و جامعه و ظرفیت سازمان‌دهی سیاسی، به هریک از این جنبش‌ها ویژگی‌های خاصی بخشیده است.

اهمیت این تجربه‌ها برای بریتانیا، نه در انتقال مکانیکی نارضایتی‌ها، بلکه در آشکارکردن سازوکاری است که از طریق آن مسائل ظاهرا جداگانه می‌توانند به یک مطالبه سیاسی مشترک تبدیل شوند. اعتراضات اروپا نشان می‌دهد فشار اقتصادی، نگرانی درباره آینده شغلی و آموزشی و مناقشه بر سر اولویت‌های نظامی دولت، در شرایطی خاص قابلیت هم‌گرایی و تبدیل‌شدن به یک چارچوب اعتراضی مشترک را دارند.

از این منظر، تحولات اخیر بریتانیا بیش از آنکه نشانه شکل‌گیری یک جنبش فراگیر میان جوانان باشند، بیانگر وجود زمینه‌هایی هستند که در صورت تشدید و پیوندخوردن نارضایتی‌های موجود می‌توانند به گسترش بسیج اعتراضی منجر شوند. بااین‌حال، تبدیل این نارضایتی‌ها به یک حرکت جمعی، به چگونگی درک مشترک جوانان از مسائل و توانایی تشکل‌های دانشجویی، اتحادیه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در پیونددادن مطالبات پراکنده وابسته است. این تحولات با وجود آنکه در برخی مناطق به صورت محلی شکل گرفته، هنوز از شکل‌گیری یک جنبش واحد حکایت ندارند ولی می‌توانند نشانه‌ای از نزدیک‌شدن برخی مطالبات اجتماعی و دانشگاهی به یکدیگر باشند. از این منظر، تجربه اروپا بیش از آنکه پیش‌بینی‌کننده آینده بریتانیا باشد، هشداری جدی و برپایه شواهدی متقن درباره امکان هم‌گرایی اعتراضات در بریتانیاست.

واکاوی چشم‌انداز تکاپوهای بی‌امان کشورهای عربی برای میانجیگری بین تهران و واشینگتن در گفت‌وگو با محمدصالح صدقیان

# دیپلماسی عربی میان بیم و امید

**موسی موحد: این روزها شاهد فعالیت بی‌امان قطری‌ها در عرصه میانجیگری میان تهران و واشینگتن هستیم و عمان نیز مسیری کاملا موازی با چین را در پیش گرفته است. اما این تکاپوها را نمی‌توان صرفا تلاشی دیپلماتیک برای کاهش تنش میان دو طرف تلقی کرد؛ این تحرکات بیش از هر چیز بازتاب نگرانی عمیق کشورهای عربی خلیج فارس از پیامدهای یک رویارویی نظامی جدید است. کشورهایی که امنیت، ثبات اقتصادی و چشم‌انداز توسعه خود را به آرامش منطقه‌ای گره زده‌اند، به‌خوبی می‌دانند وقوع جنگ، حتی در صورت محدودماندن اولیه، می‌تواند به‌سرعت از مرزهای ایران فراتر رود و زیرساخت‌های حیاتی، مسیرهای انرژی و موازنه امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، آیا نگرانی مشترک از جنگ برای تبدیل میانجیگری به توافقی پایدار کفایت می‌کند؟ در شرایطی که اختلافات تهران و واشینگتن ریشه‌دار، چندلایه و متأثر از بی‌اعتمادی متقابل است، ظرفیت واقعی دیپلماسی عربی برای مهار بحران تا کجاست و چه چشم‌اندازی می‌توان برای جلوگیری از تکرار تقابل نظامی ترسیم کرد؟ پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی از این دست، محور و کانون گپ‌وگفتی با محمدصالح صدقیان، تحلیلگر ارشد جهان عرب و رئیس مرکز عربی مطالعات ایران است که در ادامه می‌خوانید.**



عکس: سپهر تاکی، شرق

**در شرایطی که عمان و قطر بخش قابل توجهی از ظرفیت دیپلماتیک خود را برای جلوگیری از بازگشت تنش نظامی میان ایران و آمریکا به کار گرفته‌اند، این پرسش مطرح است که انگیزه واقعی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از ورود جدی به عرصه میانجیگری چیست؟ آیا نگرانی این کشورها از وقوع جنگی دیگر و گسترش دامنه آن به سراسر منطقه، محرک اصلی تحرکات دیپلماتیک آنهاست؟ از سوی دیگر، با توجه به پیچیدگی اختلافات تهران و واشینگتن، تا چه اندازه می‌توان به موفقیت این تلاش‌ها و دستیابی به توافقی برای جلوگیری از جنگ مجدد امیدوار بود؟**

عمان از گذشته روابط دوستانه‌ای با ایران داشته و این موضوع ریشه‌ای تاریخی دارد. به اعتقاد من، عمانی‌ها در مقایسه با دیگر بازیگران، با صداقت و جدیت بیشتری وارد عرصه میانجیگری شده‌اند و تلاش‌های آنها نیز صادقانه است. قطر اما در این میان دو ملاحظه اساسی دارد. نخست، جایگاه سیاسی و موقعیت بین‌المللی این کشور است. برای قطر اهمیت زیادی دارد که بتواند میان دو قدرت بزرگ، یعنی ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهان و ایران به عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه، میانجیگری کند. اگر این تلاش‌ها به نتیجه برسد، بدون تردید برای اعتبار قطر و تثبیت جایگاه این کشور در معادلات منطقه‌ای اهمیت زیادی خواهد داشت. ملاحظه دوم قطر به شرایط اقتصادی و هماهنگی با دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بازمی‌گردد. البته قطر در این زمینه با سایر کشورهای منطقه نیز هماهنگی‌هایی دارد. واقعیت این است که کشورهای حوزه خلیج فارس در شرایط کنونی متحمل خسارات زیادی شده‌اند و ادامه وضعیت موجود برای اقتصاد آنها بسیار پرهزینه است. برای مثال، عربستان سعودی ممکن است بتواند بخشی از صادرات نفت خود را از مسیر دریای سرخ یا مسیرهای جایگزین انجام دهد، اما قطر در زمینه صادرات گاز چنین گزینه جایگزینی در اختیار ندارد و مسیر اصلی صادرات آن همچنان به تنگه هرمز وابسته است. بنابراین، از منظر اقتصادی، قطر و دیگر کشورهای منطقه از بسته‌ماندن یا ناامن‌شدن این آبراه متضرر می‌شوند. کویت، بحرین، عربستان سعودی و حتی امارات نیز از تلاش‌های قطر برای به نتیجه رسیدن میانجیگری حمایت می‌کنند. دست‌کم برای این کشورها، بازشدن تنگه هرمز یک ضرورت اقتصادی و راهبردی است. به اعتقاد من، در مرحله نخست، مسئله بازگشایی تنگه هرمز برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اهمیت بیشتری دارد و موضوع پرونده هسته‌ای ایران و اختلافات تهران و واشینگتن در مرحله بعدی قرار می‌گیرد. بنابراین، قطر با دو انگیزه اصلی، یعنی ارتقای جایگاه سیاسی خود و تأمین منافع اقتصادی کشورهای منطقه، در حال پیگیری میانجیگری است.

**با توجه به نگرانی‌های مشترک کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از تبعات یک جنگ جدید و حمایت آنها از تلاش‌های دیپلماتیک قطر و عمان، آیا می‌توان انتظار داشت این اجماع منطقه‌ای در نهایت مانع از بازگشت درگیری نظامی شود؟ به بیان دیگر، آیا وزن اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی و گزارش‌های امیدوارکننده رسانه‌های منطقه‌ای می‌تواند بر تصمیم واشینگتن تأثیر بگذارد و مسیر تحولات را به سمت توافق سوق دهد؟**

در شرایط کنونی چند سناریو پیش‌روی ایران، آمریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد. واقعیت این است که کشورهای منطقه تاکنون خسارات زیادی متحمل شده‌اند و این خسارات همچنان ادامه دارد. برای مثال، حملات موشکی و تحولات امنیتی اخیر، ازجمله حملاتی که فرودگاه‌های دمام، جده و ریاض را درگیر کرده‌اند، اتفاقات کوچکی نیستند. اکنون دو کشور بزرگ، یعنی آمریکا و ایران، درگیر یک تقابل جدی هستند و کشورهای عربی منطقه نیز به‌نوعی در میان این دو قدرت قرار گرفته‌اند. ما شاهد بوده‌ایم ایران چه اقداماتی انجام داده و مقام‌های ایرانی نیز اعلام کرده‌اند در شرایط کنونی، محدودیت‌های جغرافیایی سابق دیگر برای آنها موضوعیت ندارد. از سوی دیگر، اگر آمریکا و اسرائیل زیرساخت‌هایی مانند آب، برق و گاز ایران را هدف قرار دهند، این احتمال وجود دارد ایران نیز اقدامات متقابلی انجام دهد و زیرساخت‌های کشورهای منطقه در معرض تهدید قرار بگیرند. به همین دلیل، کشورهای حوزه خلیج فارس در موقعیت بسیار حساسی قرار دارند. آنها نمی‌خواهند وارد چنین تقابلی شوند، اما در عین حال نمی‌توانند نسبت به پیامدهای آن بی‌تفاوت باشند. به تعبیر دیگر، این کشورها میان دو طرف قدرتمند گرفتار شده‌اند و شرایط برای آنها بسیار دشوار است. در حال حاضر سه سناریوی اصلی قابل تصور است؛ سناریوی نخست، وقوع جنگ است. البته مشخص نیست چنین جنگی در چه ابعادی خواهد بود، اما اگر درگیری‌ها به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شود، بدون تردید کشورهای حوزه خلیج فارس نیز از آن متضرر خواهند شد. این کشورها در چنین شرایطی نه‌تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر امنیتی و سیاسی نیز با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. سناریوی دوم، دستیابی به نوعی مصالحه محدود است؛ توافقی که بتواند دست‌کم برای مدتی از وقوع جنگ جلوگیری کند یا آن را به تعویق بیندازد. به اعتقاد من، احتمال شکل‌گیری چنین مصالحه‌ای وجود دارد و این یکی از سناریوهای قابل بررسی است. سناریوی سوم نیز این است که کشورهای منطقه و برخی بازیگران به دونالد ترامپ توصیه کنند نه وارد جنگ شود و نه مذاکرات را به نتیجه برساند، بلکه مسیر فشار اقتصادی و تحریم‌ها را ادامه دهد. در واقع، سیاست «نه جنگ، نه مذاکره» و تداوم محاصره و تحریم اقتصادی می‌تواند یکی دیگر از گزینه‌های پیش‌روی واشینگتن باشد. حتی امروز نیز درباره این سناریو صحبت می‌شود که آمریکا بدون ورود به جنگ نظامی و بدون دستیابی به توافق، به سیاست فشار اقتصادی علیه ایران ادامه دهد. بنابراین، باید هر سه احتمال را در تحلیل تحولات آینده مدنظر قرار داد.

**در تحلیل سناریوهای پیش‌رو، به نظر می‌رسد نمی‌توان نقش اسرائیل را نادیده گرفت. تل‌آویو ممکن است برخلاف کشورهای عربی منطقه، اساسا تمایلی به مصالحه و پایان‌یافتن پرونده تقابل با ایران نداشته باشد. با توجه به اینکه از نگاه اسرائیل، مسئله ایران همچنان یک پرونده امنیتی باز است، آیا می‌توان گفت تناهاو و جریان‌های حامی اسرائیل در آمریکا همچنان به دنبال ادامه جنگ و تغییر بنیادین وضعیت ایران هستند؟ هدف نهایی این جریان‌ها را در چه چارچوبی باید ارزیابی کرد؟**

این نکته درست است. با این حال، در حال حاضر شاهد موضع‌گیری‌های علنی چندانی از سوی اسرائیل نیستیم. مشخصا بعد از انتخابات کنست اظهارات قابل توجهی از بنیامین نتانیاهو نشنیده‌ایم. به اعتقاد من، انتخابات اسرائیل و نتایج آن نیز در شرایط کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است و یکی از مسائل مهم در داخل این رژیم محسوب می‌شود. با این حال، لابی ایپک اسرائیل در آمریکا همچنان فعالیت گسترده‌ای دارد و این موضوع را نباید نادیده گرفت. اسرائیلی‌ها یک گزینه مشخص پیش‌روی خود دارند و آن، ادامه‌دادن جنگ است. به اعتقاد من، گزینه اصلی و فوری آنها همین مسیر است. اما مسئله مهم‌تر، هدف راهبردی اسرائیل از ادامه تقابل با ایران است. به نظر من، هدف اصلی نتانیاهو و لابی اسرائیل لزوما سرنگونی نظام سیاسی ایران نیست، بلکه مسئله اصلی، تجزیه ایران است.

**یعنی از نگاه شما، هدف راهبردی اسرائیل فراتر از تغییر حکومت در ایران است و به تجزیه سرزمینی کشور بازمی‌گردد؟**

بله، دقیقا. هدفی که من برای راهبرد اسرائیل و نتانیاهو قائل هستم، تجزیه ایران است. مسئله صرفا تغییر نظام سیاسی نیست. اگر قرار باشد نظام سیاسی ایران نیز تغییر کند، این موضوع در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد؛ اما هدف اصلی، تضعیف و تجزیه ایران است. ایران کشوری با مساحت حدود ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومترمربع و جمعیتی نزدیک به ۹۰ میلیون نفر است و از ظرفیت‌ها و منابع قابل‌توجهی برخوردار است. از منظر تعریف امنیت ملی اسرائیل، وجود ایران با چنین وسعت، جمعیت و ظرفیت‌هایی یک مسئله امنیتی تلقی می‌شود. به همین دلیل، معتقدم هدف راهبردی آنها باید در چارچوب تلاش برای تجزیه ایران مورد توجه قرار گیرد.

**در کنار تلاش‌های مستقیم قطر برای میانجیگری میان تهران و واشینگتن، عمان نیز ظاهرا مسیر متفاوتی را دنبال می‌کند و از طریق ارتباط با چین درصدد فعال‌کردن یک کانال دیپلماتیک جدید است. با توجه به سفر سلطان عمان به چین و نقش احتمالی پکن در تحولات منطقه‌ای، آیا ورود چین می‌تواند به شکستن بن‌بست مذاکرات کمک کند؟ اساسا آیا حضور قدرت‌هایی مانند چین و روسیه در روند مذاکرات به سود منافع ایران خواهد بود؟**

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، عمان با صداقت در حال پیگیری مسئله میانجیگری است. حتی سفر سلطان عمان به چین را نیز می‌توان در همین چارچوب مورد بررسی قرار داد. با این حال، به اعتقاد من، ورود چین یا روسیه به مذاکرات ایران و آمریکا لزوما به نفع ایران نیست.

**چرا؟**

دلیل این مسئله آن است که این دو کشور ملاحظات و منافع خاص خود را دارند. چین و روسیه قدرت‌های بزرگی هستند که در سطح جهانی بازی می‌کنند و طبیعتا منافع گسترده‌تری از مسئله ایران و آمریکا برای آنها مطرح است. ما در این معادله یک بازیگر منطقه‌ای هستیم، اما چین و روسیه بازیگران جهانی محسوب می‌شوند. آنها در روابط خود با آمریکا، مسائل و اولویت‌های دیگری دارند که ممکن است در مقاطعی بر موضوع ایران تأثیر بگذارد. برای مثال، روسیه با مسئله اوکراین مواجه است و در روابط خود با دولت ترامپ نیز ملاحظات و اختلافات خاصی درباره این موضوع دارد. طبیعی است که چنین مسائلی می‌تواند بر رفتار و تصمیم‌گیری مسکو در قبال پرونده ایران تأثیر بگذارد. بنابراین، ممکن است در مقطعی منافع دیگری برای روسیه یا چین در اولویت قرار بگیرد. به همین دلیل، معتقدم میانجیگری کشورهایی مانند عمان و قطر برای ایران از امنیت و اطمینان بیشتری برخوردار است. این به معنای آن نیست که ورود چین یا روسیه الزاما به ضرر ایران خواهد بود، بلکه مسئله این است که این قدرت‌ها منافع بزرگ‌تری دارند و نمی‌توان انتظار داشت که در همه شرایط، منافع ایران را در اولویت قرار دهند.

**اگر میانجیگری مستقیم عمان و قطر برای ایران از اطمینان بیشتری برخوردار است و ورود قدرت‌های جهانی نیز الزاما به سود تهران نیست، پس چرا عمان در شرایط فعلی به دنبال فعال‌کردن کانال ارتباطی با چین است؟ آیا این اقدام را باید تلاشی برای خارج‌کردن مذاکرات از بن‌بست و ایجاد تحرک جدید در روند دیپلماسی میان ایران و آمریکا ارزیابی کرد؟**

به نظر من، عمانی‌ها می‌خواهند روند میانجیگری را از وضعیت بن‌بست فعلی خارج کنند. ما اکنون با نوعی رکود و بن‌بست در مذاکرات مواجه هستیم. مشکل اصلی این است که رویکرد ایران به مذاکره و دیپلماسی با رویکرد آمریکا تفاوت اساسی دارد. در واقع، میان دو طرف اختلاف ادراکی و اختلاف درونی درباره ماهیت و چارچوب مذاکرات وجود دارد. ما عملا با دو مسیر موازی مواجه هستیم که هیچ نقطه اتصال مشخصی میان آنها وجود ندارد. ایران به دنبال یک چارچوب روشن دیپلماتیک است؛ چارچوبی که در آن قواعد مذاکرات، تصمیم‌گیری‌ها، سازوکارها و اصول مشخصی وجود داشته باشد. اما به نظر می‌رسد آمریکا اساسا چنین رویکردی را دنبال نمی‌کند. شیوه مذاکراتی ترامپ نیز با آنچه ما از یک روند دیپلماتیک متعارف انتظار داریم، متفاوت است. او بیشتر به دنبال آن است که نمایه‌ای مانند ویتکاف، کوشنر، جی دی ونس و روبیو را برای انتقال پیام بفرستد و از تهران بپرسد آیا با پیشنهاد آمریکا موافقت می‌کنید یا خیر؛ اگر موافقت نکرد، تهدید به اقدام نظامی مطرح می‌شود. به اعتقاد من، این دو رویکرد اساسا با یکدیگر تفاوت دارند. ایران به دنبال قواعد مشخص برای مذاکره و دیپلماسی است، در حالی که طرف آمریکایی چنین چارچوبی را به رسمیت نمی‌شناسد یا دست‌کم به شیوه‌ای متفاوت عمل می‌کند. در چنین شرایطی، طبیعی است که مذاکرات به بن‌بست برسد. حتی ممکن است نماینده‌ای که از سوی ترامپ برای انتقال پیام اعزام می‌شود، شناخت و درک کافی از پیچیدگی‌های پرونده نداشته باشد و صرفا مأمور انتقال یک پیام یا دریافت پاسخ باشد. به همین دلیل، من چندان به اینکه مذاکرات در شرایط فعلی به‌راحتی از بن‌بست خارج شود، خوش‌بین نیستم. با این حال، معتقدم عمان از طریق ارتباط با چین درصدد است تحرکی در این روند ایجاد کند. البته سفر سلطان عمان به چین صرفا به دلیل مسئله ایران انجام نشده است، اما بدون تردید پرونده ایران نیز می‌تواند یکی از موضوعات مطرح در گفت‌وگوهای دو طرف باشد. به نظر من، عمان از چین درخواست می‌کند که برای به حرکت درآوردن مذاکراتی که به بن‌بست رسیده‌اند، نقش فعال‌تری ایفا کند. هدف اصلی این است که از طریق ایجاد تحرک دیپلماتیک، امکان بازگشایی تنگه هرمز فراهم شود و منطقه از وقوع جنگی دیگر در امان بماند؛ زیرا در صورت وقوع جنگ، همه کشورهای منطقه متضرر خواهند شد.

**با توجه به مجموعه تحولات اخیر، روابط ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز با آسیب‌های جدی مواجه شده است؛ آسیب‌هایی که ترمیم آنها حتی در صورت توقف درگیری‌ها به زمان قابل‌توجهی نیاز دارد. اگر برخلاف تلاش‌های دیپلماتیک، جنگ دیگری میان ایران و آمریکا شکل بگیرد و دامنه آن به کشورهای منطقه کشیده شود، آیا اساسا امکان حفظ روابط فعلی تهران با این کشورها وجود خواهد داشت؟ به‌ویژه اگر این کشورها در نهایت در ائتلافی علیه ایران قرار بگیرند، چه پیامدهایی در انتظار تهران خواهد بود؟**

به اعتقاد من، این وضعیت بسیار خطرناک است. همان‌طور که اشاره کردید، حمله به کشورهای حوزه خلیج فارس و واردشدن خسارت به آنها مسئله بسیار مهمی است و ترمیم این آسیب‌ها نیز کار ساده‌ای نخواهد بود. بازسازی روابط و اعتماد میان ایران و این کشورها به زمان زیادی نیاز دارد. اما مسئله بزرگ‌تر این است که ممکن است در نهایت صبر این کشورها به پایان برسد و به نقطه‌ای برسند که دیگر نتوانند شرایط موجود را تحمل کنند. در چنین وضعیتی، اگر آمریکا و اسرائیل از آنها بخواهند برای مقابله با ایران وارد ائتلاف شوند، احتمال دارد که این کشورها چنین درخواستی را بپذیرند.

**گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید**

جدول ۵۴۵۰ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- شایسته و لایق- پشت‌گرمی ۲- میمون آدم‌نما- بندری در هرمزگان- نیلگون ۳- ضمیر سوم‌شخص-کارگردان نیوزیلندی فیلم‌های کینگ کونگ، هابیت و موجودات آسمانی- خشکی ۴- پرتویی الکترومغناطیسی- نوعی انرژی- نمایشنامه تراژدی شکسپیر ۵- با آب پاک‌کردن- خدای اندیشه و هنر در اساطیر یونان- پیمان، میثاق ۶- چراغ شاعرانه- پندار- هستی و موجودیت ۷- صحیح- رهبر حزب- کلفت و ضخیم ۸- آش- کشوری در شمال آفریقا- از رهبران جنبش استقلال هند- حرف دهن‌کجی ۹- سخن‌چین- یار همایون- ممنوع ۱۰- بسته نرم‌افزاری- کشاورز- تنبل دوست‌داشتنی و وفادار انیمیشن عصر یخبندان ۱۱- فرمان- پایان و آخر- هدیه‌دادن ۱۲- ریش صورت- ملامت‌کننده- لباس پوشیده ۱۳- نشانه مصدر جعلی- شیرینی مخصوص تبریز که به آن پفک گردویی هم می‌گویند- طلا ۱۴- قسمتی از گوش- باز ای ... ناز با دل من بساز- فاقد خصلت‌های پسندیده ۱۵- دزدیده‌شده- لجاجت

**عمودی:**

۱- از اجزای کله‌پاچه- کوچک‌ترین برادر حضرت یوسف(ع) ۲- بدنام- همیشه- گرامی ۳- نوعی زیبایی پنهان در برخی افراد- محل به‌جاآوردن مناسک حج- از شناخته‌شده‌ترین فرم‌های موسیقی کلاسیک- فلزی با خاصیت ضدباکتری ۴- یدکی- گوشه‌ای در دستگاه شور- آسمان ۵- فراموشی- جهان‌پهلوانی که اسطوره شد- از غذاهای محلی شمال خراسان ۶- درنگ- شادمانی و نشاط- فربه ۷- مبنای تاریخ اسلامی- دردناک- گل شقایق ۸- مختصر و کوتاه- تست ۹- کفش چرخدار ورزشی- جهان- اعلان ۱۰- تصویر- زمخت و بدقواره- آسودگی ۱۱- سست- نامه کوتاه- مزه فلفل ۱۲- ثروت و دارایی- رنگ سیاه- داستانی نوشته هرمان هسه آلمانی ۱۳- زیباترین جلوه آفرینش- نفرین- مرده‌شور- واحدی برای وزن معادل ۷۰۷ گرم ۱۴- ترجمه فیلم خارجی- از اندام‌های حسی بدن- کبیر ۱۵- نجاری- بی‌رغبتی



حل سودوکو ۴۴۴۵

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۹ | ۵ | ۱ | ۷ | ۲ | ۴ | ۸ | ۳ |
| ۱ | ۳ | ۷ | ۶ | ۴ | ۸ | ۵ | ۹ | ۲ |
| ۸ | ۲ | ۴ | ۵ | ۹ | ۳ | ۷ | ۱ | ۶ |
| ۷ | ۱ | ۹ | ۲ | ۳ | ۶ | ۸ | ۵ | ۴ |
| ۵ | ۴ | ۶ | ۸ | ۱ | ۹ | ۲ | ۳ | ۷ |
| ۳ | ۸ | ۲ | ۴ | ۵ | ۷ | ۱ | ۶ | ۹ |
| ۴ | ۶ | ۸ | ۳ | ۲ | ۱ | ۹ | ۷ | ۵ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۷ | ۸ | ۴ | ۶ | ۲ | ۱ |
| ۲ | ۷ | ۱ | ۹ | ۶ | ۵ | ۳ | ۴ | ۸ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۴ | ۵ | ۲ | ۳ | ۹ | ۸ | ۷ | ۱ | ۶ |
| ۷ | ۳ | ۸ | ۶ | ۴ | ۱ | ۵ | ۲ | ۹ |
| ۶ | ۱ | ۹ | ۷ | ۵ | ۲ | ۳ | ۸ | ۴ |
| ۳ | ۴ | ۵ | ۸ | ۷ | ۶ | ۲ | ۹ | ۱ |
| ۲ | ۶ | ۷ | ۱ | ۳ | ۹ | ۸ | ۴ | ۵ |
| ۸ | ۹ | ۱ | ۴ | ۲ | ۵ | ۶ | ۷ | ۳ |
| ۹ | ۸ | ۶ | ۲ | ۱ | ۳ | ۴ | ۵ | ۷ |
| ۵ | ۲ | ۴ | ۹ | ۶ | ۷ | ۱ | ۳ | ۸ |
| ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۸ | ۴ | ۹ | ۶ | ۲ |

حل جدول ۵۴۴۹

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ب | ر | ت | ر | ی | ■ | ع | ا | ر | ی | ت | ی | ■ | ر | ق |
| ۲ | ا | ق | ی | ا | ن | و | س | ه | ن | د | ■ | ا | ل | ک | ی |
| ۳ | ب | ی | م | ه | ■ | ا | ر | و | س | ■ | ف | ر | و | ن | د |
| ۴ | ا | ه | ■ | ا | ج | ر | ت | ■ | ا | ل | و | ا | ن | ■ | ا |
| ۵ | س | ■ | ا | ب | ا | ن | ■ | د | ژ | پ | ل | ■ | گ | ا | ر |
| ۶ | ف | ر | س | ■ | ش | ا | ن | س | ■ | ت | ا | ک | ی | د | ■ |
| ۷ | ن | ی | م | ر | و | ■ | م | ت | م | ا | د | ی | ■ | ر | د |
| ۸ | ج | و | ی | ا | ■ | س | و | پ | ا | پ | ■ | چ | ا | ن | ی |
| ۹ | ی | س | ■ | ک | ا | ر | د | ا | ر | ■ | س | ا | س | ا | ن |
| ۱۰ | ■ | ت | و | ب | ی | خ | ■ | چ | ی | س | ت | ■ | ت | ل | و |
| ۱۱ | ف | ا | م | ■ | پ | و | ک | ه | ■ | م | ی | و | پ | ■ | ز |
| ۱۲ | ا | ■ | ب | ر | و | ن | ش | ■ | م | ن | ز | ل | ■ | ک | ن |
| ۱۳ | ن | غ | ل | ی | ن | ■ | و | ا | ل | د | ■ | و | د | ا | د |
| ۱۴ | و | ص | ی | ت | ■ | ج | ی | ک | ی | ر | و | ل | ی | ن | گ |
| ۱۵ | س | ا | ■ | م | ی | ل | ی | و | ن | ■ | ب | ه | ش | ت | ی |

سودوکو سخت ۴۴۴۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۸ | | ۱ | | | | |
| ۶ | | | | ۴ | | | | ۵ |
| | | | ۵ | | | ۷ | | |
| | ۴ | | ۷ | | | ۳ | | |
| ۷ | | ۹ | ۸ | | ۵ | ۴ | | ۱ |
| | | ۶ | | | ۳ | | ۲ | |
| | | ۱ | | | ۲ | | | |
| ۳ | | | | ۷ | | | | ۲ |
| | | | | ۳ | | ۵ | | |

سودوکو ساده ۴۴۴۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۴ | | ۸ | | ۶ | | ۵ | ۳ |
| ۵ | | | | ۷ | ۳ | | ۶ | |
| ۳ | | | | | | ۲ | | ۷ |
| ۴ | | | | | | | ۲ | ۹ |
| | ۱ | ۲ | ۳ | | ۹ | ۵ | ۴ | |
| ۸ | ۹ | | | | | | | ۱ |
| ۱ | | ۴ | | | | | | ۲ |
| | ۷ | | ۹ | ۴ | | | | ۵ |
| ۲ | ۸ | | ۵ | | ۱ | | ۷ | |